

الگوهای مدرسه‌ای مشاوره



محسن جرفی

مشاور دبیرستان نمونه دولتی
علامه طباطبایی اهواز

مشاوره می‌تواند ابزاری برای جلوگیری از تبدیل شدن مشکلات «طبیعی» به مسائلی جدی‌تر و به وجود آمدن معضلاتی چون بزهکاری، شکست تحصیلی و اختلالات عاطفی باشد. همچنین می‌تواند روشی برای ایجاد فضایی سالم باشد که به نوجوانان کمک کند، با استرس‌ها و تضادهای رشد خود کنار بیایند. مشاوره می‌تواند با تشویق کردن، مشاوره شخصی یا گروهی، مشاوره یکی از والدین یا معلم، و ایجاد تغییرات محیطی به اصلاح شرایط نوجوانان بپردازد [تامسون و رودولف، ۱۹۸۸: ۹].

از آنجا که مشاوره در مدرسه تفاوت فراوانی با مشاوره در موقعیت‌های معمول دیگر دارد، به الگوی خاصی برای راهنمایی روند مشاوره در مدرسه‌ها نیاز داریم.

مدل مناسب مشاوره در مدرسه

به علت وجود موانع بسیار بر سر راه مشاوره نوجوانان در مدرسه‌ها، استفاده از یک مدل مشاوره که تمام این مسائل را مد نظر قرار دهد، حائز اهمیت است. مخصوصاً مدل مشاوره باید:

- در پیشگیری و اصلاح مشکلات کارآمد باشد.
 - برای نوجوانان در مراحل رشدی متفاوت مناسب باشد.
 - برای معلمانی که اطلاعات مشاوره‌ای زیادی ندارند، قابل استفاده باشد.
 - در تعاملات کوتاه‌مدت و شرایط خاص مفید واقع شود.
 - با راهبردهای راهنمایی، آموزش شخصی و اجتماعی (آموزش مهارت‌های شخصی و اجتماعی) و روش‌های مراقبت معنوی که در مدرسه مورد استفاده قرار می‌گیرند، تطابق داشته باشد.
- الگوی مشاوره‌ای که در این مقاله ارائه شده است و عوامل بالا را در برمی‌گیرد، «الگوی مشاوره رشدی» نامیده شده است که چارچوب انسانی دارد و بر پایه رویکرد روانی - آموزشی استوار است. سه جنبه اصلی این مدل در ادامه شرح داده شده‌اند [هورن بی، ۲۰۰۳: ۱۴].

**نوجوانان اساساً
ذات خوبی دارند و به
رشد ظرفیت‌هایشان و
شکوفایی شخصی تمایل
نشان می‌دهند. تصور
عمومی این است که
اگر نوجوان از نزدیکان
خود عشق، احترام،
همدلی و درستی ببیند،
به شهروندی شاد و مولد
تبدیل می‌شود**

چکیده

دوره نوجوانی مهم‌ترین دوران زندگی و رشد دانش‌آموزان است. از این‌رو، ارائه مشاوره در این دوره اهمیت بالایی دارد. در مدرسه‌ها رابطه مشاوره‌ای صرفاً رابطه‌ای بین مشاور و مراجع نیست، بلکه رابطه‌ای میان معلم و دانش‌آموز است. این رابطه باید بر پایه مبانی نظری خاصی باشد و در آن از مهارت‌های مشاوره‌ای خاصی نیز استفاده شود. هدف مقاله حاضر بررسی مدل سه مرحله‌ای مشاوره مدرسه‌های ابتدایی و متوسطه بوده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته

است. یافته‌های پژوهش نشان دادند که معلم در جریان تدریس و آموزش، علاوه بر داشتن نقش یاددهنده باید همانند یک مشاور از مهارت‌های مشاوره‌ای بهره بگیرد و با استفاده از الگوی مطرح‌شده در این مقاله، به ایجاد رابطه مشاوره‌ای با دانش‌آموزان بپردازد.

کلیدواژه‌ها: معلم، الگوهای مشاوره، مشاوره در مدرسه، الگوی سه مرحله‌ای مشاوره

مقدمه

محققان بسیاری تخمین زده‌اند که بین ۱۰ تا ۲۰ درصد از دانش‌آموزان در سنین مدرسه مشکلات هیجانی و رفتاری از خود نشان می‌دهند [کتلر و کتلر، ۱۹۹۳؛ ورنون، ۱۹۹۳؛ سازمان بهداشت روانی، ۱۹۹۹؛ تامسون و رودولف، ۲۰۰۰]. این موضوع اهمیت وجود معلمانی را که قادر باشند از مهارت‌های مشاوره برای کمک به تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزانشان استفاده کنند، نشان می‌دهد. معلمان برای اینکه بتوانند وظایف معنوی خود را انجام دهند و نقش خود را در آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی ایفا کنند، باید مهارت‌های اولیه مشاوره را دارا باشند و حداقل یک معلم در هر مدرسه مهارت‌های مشاوره را به صورت تخصصی فراگرفته باشد [مک گوین، ۱۹۹۸].

چارچوب انسانی

مشکل خود را درک کند و به او مهارت‌های مورد نیازش را آموزش می‌دهد تا از طریق شرح دادن، مدل‌سازی، ایفای نقش و انجام تکلیف‌ها، مشکل خود را حل کند [پیشین].

رویکرد روانی - آموزشی

هر مشکلی، چه مشکل کسب مهارت رشدی باشد، چه ناشی از بحرانی در زندگی باشد و چه مربوط به عمیق‌تر کردن روابط انسانی باشد، مهارت‌های خاصی لازم دارد که باید آموزش داده شوند [لارسون، ۱۹۸۴: ۵].

از منظر روانی - آموزشی، مشکلات نوجوانان بیشتر مهارتی هستند تا بیماری. این الگو با الگوهای درمانی که بر پایه مدل پزشکی استوارند، تفاوت جدی دارد. از این منظر، مشاوره روندی است که در آن، مشاوران مهارت‌های خود را از طریق تسهیل، مدل‌سازی، یا تدریس مهارت‌ها، با نوجوانان به اشتراک می‌گذارند. با این کار نوجوانان مهارت‌های لازم برای مواجهه با مشکلات را یاد می‌گیرند. به علاوه، نوجوانان برای اینکه زندگی بهتری داشته باشند، مهارت‌های دیگری نیز باید بیاموزند. این مهارت‌ها که مهارت‌های زندگی محسوب می‌شوند و به داشتن زندگی بهتر کمک می‌کنند، شامل مهارت‌های حل مسئله، مهارت‌های

ارتباطی، مهارت‌های حفظ سلامت و تناسب اندام، مهارت‌های اوقات فراغت، مهارت‌های مطالعه، مهارت‌های حرفه‌ای و مهارت‌های فرزندپروری می‌شود [گازدا، ۱۹۸۴].

در مدل روانی - آموزشی مشاوره، تمام مداخله‌ها نوعی آموزش دادن مهارت‌ها به مراجع‌کنندگان برای زندگی بهتر به شمار می‌روند. بنابراین، هر مهارت زندگی که به نوجوانان آموزش داده شود، نوعی مداخله است.

این موضوع یعنی روش‌هایی که از رویکردهای تئوری گرفته شده‌اند، به عنوان یک مداخله

روانی - آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرند. مدل روانی - آموزشی روشی التقاطی، یکپارچه و دستگامی است که آگان آن را در این جمله شرح می‌دهد: «مشاوران به چارچوبی مفهومی نیاز دارند که از آن چارچوب، ایده‌ها، روش‌ها و فن‌ها را از تئوری‌ها و رویکردها بگیرند و پس از تلفیق آن‌ها با تئوری خود، از آن استفاده کنند [آگان، ۱۹۸۶].

الگوی سه مرحله‌ای مشاوره

الگویی که در این مقاله برای مشاوره در مدرسه ارائه شده، الگوی مشاوره‌ای رشد براساس اصول انسانی است که در چارچوب روانی - آموزشی طبقه‌بندی می‌شود. این الگو تحت تأثیر الگوهای قبلی مشاوره، چون الگوی آگان (۱۹۸۲ و ۱۹۸۶) و الگوی هورن بی (۱۹۹۰) قرار دارد، اما برای تطبیق با مشاوره در شرایط مدرسه‌ای، تغییر شکل داده است.

الگوی سه مرحله‌ای روی شناسایی، مداخله و توانمندسازی

اصول انسانی که این مدل بر آن‌ها استوار است، از مطالعات راجرز (۱۹۸۰) و مازلو (۱۹۷۰) گرفته شده است. نوجوانان اساساً ذات خوبی دارند و به رشد ظرفیت‌هایشان و شکوفایی شخصی تمایل نشان می‌دهند. تصور عمومی این است که اگر نوجوان از نزدیکان خود عشق، احترام، همدلی و درستی ببیند، به شهروندی شاد و مولد تبدیل می‌شود. به انسانی کارآمد تبدیل خواهند شد که می‌توانند از زندگی‌شان به خوبی استفاده کنند. اگر این شرایط وجود نداشته باشد، شکوفایی شخصی آن‌ها متوقف خواهد شد، اعتماد به نفسشان کاهش پیدا خواهد کرد و مشکلات روانی در آن‌ها به وجود می‌آید.

مؤلفه‌های کلیدی افرادی که از لحاظ روانی سالم‌اند عبارت‌اند از [کول، ۱۹۸۲]:

• اعتماد به نفس بالا: که مشخصه‌های اصلی آن احساس امنیت، خودشناسی، احساس تعلق، هدف داشتن و احساس صلاحیت شخصی است.

• منبع کنترل درونی: اعتقاد بر این است که اقدامات فرد برای رسیدن به هدف، از نیروهای خارجی تأثیر گذارتر هستند.

• مدیریت شخصی: که شامل توانایی برنامه‌ریزی، در نظر گرفتن گزینه‌ها و تطبیق دادن خود با موقعیت‌هایی پیش رو می‌شود.

• داشتن شایستگی در مهارت‌های زندگی: که شامل مهارت‌های شخصی، اجتماعی، حرفه‌ای، عملی و اوقات فراغت می‌شود.

مدل رشدی

مشاوران به مشکلاتی که مراجعشان در مراحل رشد، انجام کارها و مسئولیت‌ها، و تعاملات در اجتماع دارند و همچنین پیامدهای کارهایی که با توجه به نقاط ضعف، نقاط قوت و ظرفیت‌هایشان انجام می‌دهند، گوش فرا می‌دهند [آگان، ۱۹۸۴: ۱۳۹].

«رویکرد رشدی به مشاوره» بر پایه این نظریه استوار است که مراحل رشدی وجود دارند که در آن‌ها نوجوانان اگر به خوبی راهنمایی شوند، رشد پیدا می‌کنند. پیشرفت رضایتمندانه در این مرحله‌ها نیازمند آن است که نوجوانان تکلیف‌های رشدی هر مرحله را به خوبی فرا گیرند [هاوینگ هارست، ۱۹۷۲].

هدف کلی مشاوره رشد، تسهیل شکوفایی شخصی نوجوانان با حمایت از آن‌ها در یادگیری مهارت‌های مرتبط با رشد است. برطرف کردن مشکل در هر موقعیت، هدفی کوتاه‌مدت است. هدف بلندمدت این است که نوجوانان مهارت‌های لازم را به دست آورند تا بتوانند مشکلاتشان را خودشان حل کنند [هورن بی، ۲۰۰۳: ۱۴].

مشاوره رشدی با نقش معلمان در ارائه آموزش‌های شخصی و اجتماعی تطابق دارد. معلم / مشاور به نوجوان کمک می‌کند

تمرکز دارد. به‌طور خلاصه، معلمان از مهارت‌های شنیداری استفاده می‌کنند تا دانش‌آموزان بتوانند نگرانی‌ها و احساس‌های خود را بشناسند. سپس راهبردهایی از میان مداخله‌های ممکن انتخاب می‌کنند و به اجرا درمی‌آورند تا دانش‌آموزان به‌سوی جلو گام بردارند. در مرحله آخر، معلمان با تمرکز روی رشد بالقوه و توانایی‌ها و ضعف‌های دانش‌آموزان، به آن‌ها کمک می‌کنند که به شکوفایی توانایی‌هایشان دست یابند [هورن بی، ۲۰۰۳: ۱۸].

مشخصه‌های اصلی سه مرحله این الگوی مشاوره به شرح زیر هستند:

الف. شناسایی

اولین مرحله الگو سه بخش دارد:

۱. **رابطه درمانی:** معلم‌ها باید رابطه خوبی با دانش‌آموزان داشته باشند تا دانش‌آموزان بتوانند مشکلاتشان را با آن‌ها مطرح کنند. به این رابطه، رابطه درمانی می‌گویند که بر پایه توانایی معلم در برقراری رابطه همدلی، توأم با درستی و احترام به دانش‌آموز استوار است.

۲. **بررسی نگرانی‌ها:** مهارت‌های گوش دادن برای فهم مشکلات دانش‌آموزان ضرورت دارد. با ترغیب دانش‌آموزان به صحبت کردن درباره مشکلات و خواسته‌هایشان و ابراز احساساتشان، معلمان می‌توانند به دانش‌آموزان برای درک موقعیت خود کمک کنند [پیشین].

۳. **ارزیابی موقعیت:** کمک به دانش‌آموزان برای روشن کردن موقعیت، به معلمان امکان می‌دهد، مشکلاتی را که چنین موقعیت‌هایی به وجود آورده‌اند، ارزیابی کنند. معلمان باید دانش‌آموزان را افرادی مستقل در نظر گیرند و در عین حال با مدرسه، خانواده و محیط‌هایی که کودک با آن‌ها سروکار دارد، تعامل داشته باشند.

ب. مداخله

در دومین مرحله الگو، راهبردهای مداخله‌ای بسیاری آمده‌اند تا به‌وسیله آن‌ها معلمان بتوانند مهارت‌های زندگی را که برای حل مشکلات مورد نیاز دانش‌آموزان هستند، به آن‌ها بیاموزند. مرحله دوم از دو بخش تشکیل می‌شود: نوع راهبرد مداخله‌ای که وجود دارد، و روش‌های اجرای آن.

در مدل مشاوره روانی - آموزشی از راهبردهای مداخله‌ای بسیاری می‌توان استفاده کرد. راهبرد مداخله می‌تواند استفاده معلم از یک صندلی خالی باشد که به دانش‌آموز کمک کند احساسات خود را بیان کند، یا می‌تواند بازسازی شناختی باشد که به دانش‌آموزان کمک می‌کند اعتمادبه‌نفس داشته باشند، و یا می‌تواند استفاده از فن‌های حل مسئله باشد که به دانش‌آموزان قدرت تصمیم‌گیری می‌دهد [پیشین].

روش‌های پیاده‌سازی راهبرد مداخله

سه‌راه برای پیاده‌سازی راهبرد مداخله وجود دارد: اول، معلم به‌عنوان یک الگو عمل می‌کند و مهارت‌هایی از جمله گوش دادن فعال را در تعامل با دانش‌آموزان از خود نشان می‌دهند. دوم، معلمان مستقیماً عمل می‌کنند و به‌وسیله فعالیت‌ها و تمرین‌هایی

که برای کمک به دانش‌آموزان برای آموختن مهارت‌های زندگی طراحی شده‌اند، دانش‌آموزان را راهنمایی می‌کنند. سوم، معلم‌ها دستورالعمل‌های مستقیمی به دانش‌آموزان می‌دهند تا به آن‌ها مهارت‌های لازم زندگی را بیاموزند [همان، ص ۱۹].

ج. توانمندسازی

مرحله سوم الگو نیز سه بخش دارد:

حمایت از برنامه‌ها: معلمان باید از دانش‌آموزان در انجام برنامه‌هایشان حمایت کنند تا آن‌ها بتوانند با مشکلات خود کنار بیایند و به سمت اهدافشان قدم بردارند. حمایت‌ها می‌توانند از یک تشویق ساده تا آموزش مصمم بودن برای رسیدن به هدف، متفاوت باشند.

جمع‌بندی تغییرات: ویژگی مهم این مرحله کمک به دانش‌آموزان است برای آنکه بتوانند تغییرات و پیشرفت‌های خود را جمع‌بندی کنند. معلمان می‌توانند این کار را با آگاه ساختن دانش‌آموزان از پیشرفتشان و تشویق آن‌ها به ادامه راه، با وجود مشکلات، انجام دهند.

فراهم آوردن امکان شکوفایی شخصی: معلمان به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا نقاط ضعف و قوت خود را در مهارت‌های زندگی بشناسند. به عبارت دیگر، به دانش‌آموزان مهارت‌های زندگی را که شاید مورد علاقه آن‌ها هم نباشد، اما به شکوفایی شخصی آن‌ها کمک خواهد کرد، آموزش می‌دهند [پیشین].

دانش و مهارت‌های لازم برای به اجرا درآوردن الگوی سه مرحله‌ای در مدرسه‌ها

برای استفاده از این الگو برای مشاوره در مدرسه، معلمان باید مهارت‌ها و دانشی خاص داشته باشند تا بتوانند مهارت‌های مورد نیاز برای مشاوره مؤثر در مدرسه را کسب کنند [همان، ص ۲۰ و ۲۱].

مهارت‌ها

برای اینکه معلمان بتوانند مشاوره و راهنمایی خوبی به دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان بدهند، باید مهارت‌های ارتباطی بین شخصی را فرا بگیرند. معلم‌ها باید مهارت‌های گوش دادن داشته باشند تا بتوانند به دانش‌آموزان کمک کنند، نسبت به نگرانی‌ها و احساسات خود آگاهی پیدا کنند. آن‌ها همچنین باید از مهارت‌های مداخله‌های مشاوره برخوردار باشند تا بتوانند به این دانش‌آموزان کمک کنند، با نگرانی‌های خود روبه‌رو شوند. در واقع، مهارت‌هایی لازم دارند که به دانش‌آموزان قدرت بدهند، به نقاط قوت خود تکیه کنند و ضعف‌های خود را از بین ببرند. داشتن مهارت‌های لازم برای اجرای این الگوی سه مرحله‌ای مشاوره به معلم‌ها کمک می‌کند، توانایی لازم را برای مشاوره و راهنمایی سودبخش والدین و دانش‌آموزان کسب کنند.



بی‌نوشته مقاله